

(۲)

## ارث ، وصیت

از نظر

قانون مدنی ، قانون امور حسبی

با

کلیه مقررات مربوط دیگر

قاسم بصری

وکیل دادگستری

۳

تا سال ۱۳۰۶ ملاک و آیین دادرسی منحصر به قانون ذیقعه ۲۹ بوده و بر اثر ماده ۱۴۵ قانون مزبور ۷۰٪ دعاوی بداد گاه شرع ارجاع شده و ۱۵٪ دعاوی که تجاری بود ، در تهران داد گاه اختصاصی بنام محکمه تجارت داشته و در شهرستانها دعوی در محکمه بدایت که سه قاضی داشته با دو مصدق تجاری ، رسیدگی و احکام صادره در صورت توافق طرفین قطعی بود که هنوز هم مقررات مربوط

قانون آیین دادرسی مدنی که متخذ از قانون قبل از تشکیلات و قانون تسریع محاکمات اصلی و اصلاحی ۱۳۰۹ است، به قوت خود باقی مانده. ولی با انحلال محکمه تجارت و نسخ مقررات ماده ۱۸ و ۱۹ قانون تسریع مصداق ندارد. و از توضیح فوق این نتیجه گرفته می شود که در واقع ۱۵٪ از دعاوی در مراحل سه گانه دادگستری رسیدگی می شود. صلاحیت امین یا فقیه صلح نیز در دعاوی مالی به ۲۵۰۰ ریال و غیر مالی بسیط تر بوده و اصلاً تقاضای انحصار وراثت و گواهی انحصار وراثت به ترتیب فعلی نبود. اما با تأسیس اداره آمار و مقررات اخذ شناسنامه، در مواردی که مدیون دین را قبول و پرداخت آن را به ورثه شرط می دانست و نیز در کلیه مواردی که مورث مستخدم دولت بوده، باید وراثت ورثه و انحصار ثابت شود تا اینکه ورثه بتوانند حقوق مورث را اخذ یا تقاضای ثبت نمایند. لذا قانون انحصار وراثت گذشت که هنوز هم باعتبار خود باقی است. اما فقط ماده ۱ آن، مقررات ماده ۲ در قانون امور حسبی و اصلاح ۱۳۳۵ تغییراتی نموده. از جمله چنانچه سهم الارث هر وارث از پنج هزار تومان کمتر باشد، آگهی لازم نیست.

با توضیح اینکه ۸۰٪ از اظهار نامه های ثبتی بمأخذ ارزش چهل سال قبل تقویم و سند مالکیت صادر گردیده، مثلاً ملکی که فعلاً چند میلیون ریال ارزش دارد، به هزار تومان تقاضای ثبت شده که با اخذ گواهی انحصار وراثت و ثبت و اخذ سند مالکیت، و انتقال آن، وضع عجیبی پیدا می شود؛ و با اضافه نمودن این مطلب که برابر ماده ۲۲ قانون ثبت، صرف اخذ گواهی انحصار وراثت برای ثبت مال غیر منقول کافی نبوده و ماده مزبور باماده ۳۷۴ قانون امور حسبی معارض است. کما اینکه معلوم نیست که آیا صرف اظهار ورثه باینکه سهم الارث کمتر از پنجاه هزار ریال است، باید برمداریك قاعده ای باشد یا باین اظهار از آگهی و تشریفات معاف بوده و چنانچه بعداً معلوم شد، ورثه دیگری بوده و ماترك سهم هر وارث بیشتر از ۵۰ هزار ریال است، حقوق ترضیع شده ورثه دیگر یا دولت یا ارباب طلب چه خواهد شد؛ یا توضیح اینکه ماده ۲۲ قانون ثبت نسخ

شده و قانون امور حسبی نمی تواند نسخ ضمنی ماده ۲۲ باشد، برای اینکه احکام نسخ ضمنی در قوانین همشکل تکلیفی، ساری بوده، در قوانین تضمینی یا قوانین خاص نسخ ضمنی حاکم نبوده و بعد کدام قاضی صلاحیت دارد که قوانین را تفسیر و اظهار نظر بر نسخ ضمنی قانونی نماید تا قضیه بدیوان عالی کشور و هیئت عمومی منتهی شود، چه بسا سالها طول کشیده و باعث نسخ و از بین رفتن حق صاحبان حق گردیده و بانقل و انتقال املاک صاحب حق مواجه با وضع غیر قابل اعاده شود.

#### ۴

ماده ۲۲ قانون ثبت صدور سند مالکیت بنام ورثه را علاوه بر انحصار وراثت موقوف به موافقت بین ورثه و در صورت اختلاف تا صدور حکم نهایی دانسته و ماده مزبور با ماده ۳۷۴ قانون امور حسبی تنافی داشته و بهمین جهت ماده ۲۰۴ قانون آیین دادرسی مدنی در مورد اجرای احکام مربوط به اموال غیر منقول تسری ندارد؛ کما اینکه اعاده محاکمه از طرق فوق العاده درجه دوم است، تا وقتی که دیوان عالی کشور که نیز از طرق فوق العاده درجه اول است، طی نشود، به طریق فوق - العاده نمی توان توسل جست. و ثمره عدم رعایت این مطلب آنست که چنانچه حکم صادره پژوهشی اجرا و ملک در دفتر املاک ثبت شد، بانقض حکم در دیوان عالی کشور ابطال سند مالکیت ممکن نیست. بهمین جهت است که خود قانون ثبت این تصریح را نموده است. و علت دیگر اینکه ماده ۲۴ قانون ثبت ما با قوانین ثبت کشورهای خارج یک تفاوت دارد و تفاوت اینکه هر گاه بعد از سند مالکیت مراجع قضایی حقی برای ذیحق قابل شدند، حکم دیوان عالی کشور متبع بوده نهایت ذیحق از تاریخ حکم قطعی استحقاق اجرت المثل دارد. حق هم این است، چون تا صدور حکم نهایی متصرف مالک و متصرف مجاز بوده و غاصب نیست. البته شبیه این مقررات را ماده ۴۲ قانون ثبت در مورد معاملات شرطی قابل شده و همین حکم عام ماده ۲۴ بود که قانونگذار در ۱۳۱۷ ماده ۲۵ مکرر را وضع فرموده و چون اختیارات شورای عالی ثبت برابر شق ۸ تا نقل در دفتر املاک بود، قانون دی ماه ۱۳۳۳ را مقرر داشته؛ و تصور می کنم، چنانچه

بعد از صدور گواهی انحصار وراثت، مدعی وراثتی پیدا شده، دادخواست داده مراتب را با اداره ثبت اعلام نمود، اجرای ماده ۲۲ برای اداره ثبت مقدم بر ماده ۳۷۴ باشد و شاید فلسفه ماده ۴۶ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۵ خرداد ۱۳۱۶ بر اینکه احکام مربوط به اجرای اموال غیر منقول و ابطال ثبت یا سند باید به مدیر کل ثبت ابلاغ شود، برای حفظ این قبیل حقوق است که ذیحق با وضع غیر قابل رفع مواجه نشود.

## ۵

قانون امور حسبی مصوب تیر ماه ۱۳۱۹ موخرو وارد بر قانون مدنی است. در قسمتهایی که مربوط به امور صغار و احکام خاص قانون مزبور است، بدیهی است قانون مزبور حاکم است. ولی در مورد وصیتنامه و نحوه اعتبار آن، با ملاحظه مواد ۴۷ و ۴۸ و ۷۱ و ۷۲ قانون ثبت و ماده ۲۷۷ قانون امور حسبی و صراحت ماده ۱۲۹۰ قانون مدنی ظهور دارد، وصیتنامه ۲۷۸ و ۲۷۹ و اعتبار آن شامل وصایای عهدی است، و در مورد وصایای تملیکی، جمع بین حکم موارد ۲۷۷ و مواد بعد امکان نداشته و هر گاه به ترتیب مقرر در قانون ثبت و دفاتر اسناد رسمی تنظیم نشود، چگونه می توان بزبان ثالث یا مخالف مندرجات دفتر املاک تسری داد؟ روز فوت ملک غیر منقول در دفتر املاک بنام مورث است. ثبت ملک بنام دیگری، بدون اجرای ماده ۲۲ قانون ثبت خالی از اشکال نیست.

در مورد اصلاح قانون انحصار وراثت و عدم انتشار آگهی نسبت به کمترار پنجاه هزار ریال در شقوق فوق توضیح داده شد.

## ۷

قانون مالیات بر ارث حاکم از اول سال ۴۶: در مورد مالیات بر ارث و معافیتها و استثنایا مقرراتی قابل شده اند که با مقررات قانون اصلاحی ۱۳۳۵ تنافی دارد.

ماده ۲۴۹ قانون امور حسبی مقرر داشته، ورثه مسئول پرداخت دیوان متوفی هستند. و شرط معافیت آنست که ورثه در طی يك ماه شفاهاً یا کتباً بدفتر دادگاه بخش ردتر که را اعلام نمایند و این امر در دفتر مخصوص ثبت شود.

اولاً از این مقررات اکثر مردم بی اطلاع هستند؛ ثانیاً صحیح است که دعوی بر ورثه چنانچه صغیر باشند، منوط به داشتن سند رسمی بوده و هرگاه متوفی صغیر باشد، تمام بدهیهای او برابر اسناد تجاری حال می شود؛ ثالثاً قید رسمی بودن وقتی است که ورثه صغیر باشند؛ رابعاً فرضاً متوفی در زمان فوت بموجب احکام یا رای مراجع صلاحیتدار مالیاتی یا گمرکی یا وزارت کار یا بیمه مبالغ هنگفتی مدیون باشد. این تکلیف را صغیر چگونه انجام دهد یا قیم یا وصی منصوص یا ولی قهری از کجا اطلاع حاصل کند؟ مورث او برابر اسناد رسمی یا احکام مراجع صلاحیتدار محکوم شده. با توجه باینکه اکثریت مردم از این مقررات بی اطلاع بوده و نحوه مقررات مربوط به تنظیم وصیتنامه نیز طوری است که ۹۰٪ مردم وصیتنامه نداشته و در آتیه نزدیک تعداد پرونده های اداره سرپرستی بمیزان سرسام آوری ترقی پیدا کرده و مشکلاتی که برای اداره امور صفار در قوانین وجود دارد، حتی کسان نزدیک صفار از قبول مسئولیت شانه خالی می کنند، تاچه رسد به اشخاص ثالث که خود هزاران گرفتاری دارند و مشکلات اشاره شده یکصدم مشکلاتی است که در مورد ارث و اداره اموال متوفی وجود دارد. و مشکلات مزبور سبب زیانهای مستقیم و غیر-مستقیم به تمام مردم و سازمانهای کشور و مؤسسات اقتصادی و رکود سرمایه خواهد شد و برای اینکه روشن شود، اصلاح این مقررات در وضع اجتماعی نیز تأثیر بسزایی دارد، ناچارم از گفته یکی از دانشمندان اقتصادی یاد کرده و اثر آنها در امور اجتماعی خلاصه کنم. دانشمند مزبور می گوید: تمام افراد مشابه مجاری فرعی منابع عظیم سرمایه اجتماعی بوده که همه مردم بسهم خود در هر ۲۴ ساعت از آذوقه و تمام وسایل اجتماعی استفاده و مصرف داشته، هرگاه

يك يا چند نفر آنها لا اقل بقدری که از نیروی مادی و معنوی و امنیت بهداشتی و فرهنگی و انتظامی استفاده می کنند ، بمقدار سهم خود در گردش سرمایه فعالیت نکنند ، بهمان مقدار در ورود نیرو به منابع زندگی اجتماعی نقصان حاصل شده ، مثل استخر بزرگی که از چند رشته قنات باید آب بگیرد ، چنانچه يك يا چند رشته مسدود شود ، آب استخر کاهش یافته بهمان میزان از رفاه اجتماعی کم می شود .



با این توضیح ملاحظه می شود ، وقتی يك فرد اجتماع که فوت و از گردونه ازدیاد نیروی اجتماعی کسر شده ، فرضاً چند میلیون ثروت و دواولاد داشته باشد ، دارایی او تقسیم ، تا مجدداً مسیر جریان طبیعی سرمایه بحال عادی برگردد ، مقداری از ذخیره کسر شده و تدارك آن مشکل است ؛ مگر اینکه واقعاً سعی شود با فوت يك فرد اجتماعی تعیین تکلیف ورثه و گردش سرمایه آنها تسریع شود .

پایان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی